

محبت امام زمان و نعمت مصیبت

مقدمه

خداوند در تورات و انجیل وعده‌ی آمدن ۱۲ امام از نسل ابراهیم را داده است. در منابع اهل سنت نیز در احادیثی از پیامبر صراحتاً به آمدن ۱۲ امام و نقیب و حتی از بنی‌هاشم بودن آنها اشاره شده است. پیامبر حتی به «بودن آنها تا روز قیامت» اشاره کرده است. هرچند با وجود همه‌ی این اشارات صریح، مردم به دشمنی با اهل بیت پرداختند و ۱۱ امام معصوم را به شهادت رساندند.

اساساً جان امام زمان باید توسط مردم و مأموم حفظ شود؛

اما در آن زمان مأموم برای آمدن امام آماده نبود و شیعه تربیت نشده بود و چیزی در مورد کار تشکیلاتی و اینکه چگونه باید از جان امام‌زمانش حفاظت کند، نمی‌دانست. «بشیر نبال» می‌گوید: «به امام‌باقر عرض کردم: "می‌گویند وقتی حضرت مهدی قیام کند، اموراتش به سهولت و بی‌زحمت درست خواهد شد و به اندازه‌ی خون حجامت هم خون به زمین ریخته نخواهد شد" امام فرمود: "سوگند به کسی که جانم در اختیار اوست، اینطور نیست؛ اگر قرار بود کارها بدون رنج و زحمت سامان یابد در آن زمان که دندان مبارک پیامبر اکرم را می‌شکستند و صورتش را مجروح می‌کردند برای رسول خدا سامان می‌یافت. سوگند به کسی که جانم در اختیار اوست تا وقتی در اثر جنگ و مبارزه، عرق و خون [از چهره‌هایمان] پاک نکنیم، کارها سامان نمی‌یابد."» (الغیبه نعمانی، ص ۲۸۳، باب ۱۵، ح ۱)

کسب مهارت برای کمک به امام زمان

جامعه‌ای که تربیت نشده باشد به امام معصوم نخواهد رسید، ولو هزار سال بگذرد. برای رسیدن به ظهور باید انسان‌های معتقد، متخصص، باادب و در تراز حکومت ولی معصوم تربیت شوند. امروز هر کدام از ما وظیفه داریم مهارت‌های لازم برای زیستن در آخرالزمان و رسیدن به حکومت امام‌زمان را کسب کنیم. این مهارت‌ها عبارتند از:

۱. نخستین و مهمترین گام، مأنوس بودن و تسلط بر ثقلین (قرآن و سیره‌ی اهل‌بیت) است. باید به سیره‌ی اهل‌بیت آگاه و به قرآن مسلط باشیم و راه پاسخ به شبهات را بدانیم. عمیق شدن در قرآن و سیره‌ی اهل‌بیت وظیفه‌ی ماست؛ زیرا اگر مقام امام (اهل‌بیت) را نشناسیم و به امام‌زمان نرسیم، سایر عبادات ما هیچ فایده‌ای نخواهد داشت؛
 ۲. تسلط به ابزار روز که امروز این ابزار همان رسانه است. باید سواد رسانه‌ای داشته باشیم و مسلح و مسلط به ابزار عملیات و جنگ روانی باشیم؛
 ۳. باید به سیره‌ی شهدا مسلط باشیم؛ زیرا شهدا این مسیر را درست رفته‌اند؛
 ۴. باید به لحاظ جسمی کاملاً آماده باشیم؛
 ۵. باید متقی و اهل عبادت باشیم؛
 ۶. باید بصیرت داشته باشیم؛
 ۷. باید ارتباط قلبی و نزدیکی با امام‌زمانمان داشته باشیم.
- تمامی این نکات برای این است که به خدا ثابت کنیم، این بار می‌توانیم از جان امام‌زمانمان حفاظت کنیم.

امت اسلامی پس از رسول خدا

سیره‌ی دو خلیفه‌ی اول (در سبک زندگی) کم و بیش به پیامبر شبیه بود؛ یعنی ظواهر را حفظ می‌کردند و با اتخاذ سیاست‌هایی، مخالفان را با خود همراه می‌کردند. از جمله اینکه خلیفه‌ی دوم «صحابه بودن» را یک امتیاز می‌دانست و بر این مبنا سهم بیشتری از بیت‌المال به آنها می‌داد که این سبب ثروت‌اندوزی صحابه شد. سیره‌ی عثمان اما متفاوت بود؛ او حتی ظواهر را حفظ نمی‌کرد. او بستگان خود را سر کار آورد و حقوق صحابه را چنان که انتظار داشتند، پرداخت و همین مسائل موجب نارضایتی مردم و بزرگان از او و شروع دشمنی با او شد. با وجود تلاش‌های امیرالمؤمنین، این نارضایتی‌ها موجب به قتل رسیدن عثمان شد. حضرت علی در حالی رهبری جامعه‌ی اسلامی را عهده‌دار شد که بدنه‌ی جامعه، عاشق حضرت و خواص جامعه که از ثروت‌اندوزی و رفاه غیر عادلانه‌ی خود محروم می‌شدند، دشمن ایشان بودند. خواص جامعه با تحمیق و تحریک عوام نادان، وضع جامعه را غبار آلود و نابسامان و مخالف امیرالمؤمنین کردند. این اوضاع و ماجرای شبهات حل‌نشده‌ی قتل عثمان سبب شد تا جامعه‌ی اسلامی به چهار گروه و گرایش سیاسی تقسیم شود:

امت اسلامی پس از رسول خدا

رافضی‌ها

اهل جماعت

شیعیان یا علویان

عثمانی‌ها

✓ عثمانی‌ها

گروه اول عثمانی‌ها؛ اعتقاد آنها بر این بود که عمر و ابوبکر و عثمان بر حق هستند و حضرت علی و اولاد و یارانش قاتل عثمان هستند. آنها معتقد بودند، خون عثمان به ناحق ریخته شده است و خواست و شعارشان خون‌خواهی عثمان بود؛ آنها متأثر از رسانه‌ی معاویه بودند.

✓ شیعیان یا علویان

گروه دوم شیعیان یا علویان (صاحب جمعیت)؛ آنها شیخین (ابوبکر و عمر) را قبول داشتند و علی را بر حق و در قتل عثمان بی‌گناه می‌دانستند و معتقد بودند که عثمان به علت اشتباهات زیاد خود به قتل رسیده است. اکثریت لشکر علی علیه‌السلام را علویانی که شیخین را قبول داشتند، تشکیل داده بودند.

✓ اهل جماعت

گروه سوم اهل جماعت؛ آنها هر چهار خلیفه را قبول داشتند.

✓ رافضی‌ها

گروه چهارم که به آنها رافضی (کافر) می‌گفتند، اعتقاد داشتند که از ابتدا حق با حضرت علی بوده است. تعداد این گروه اندک بود و مالک اشتر، حبیب‌بن‌مظاهر، عمار و مقداد در این تقسیم‌بندی قرار داشتند.

عمده‌ی دعوا و اختلاف جامعه میان علویان و عثمانی‌ها بود.

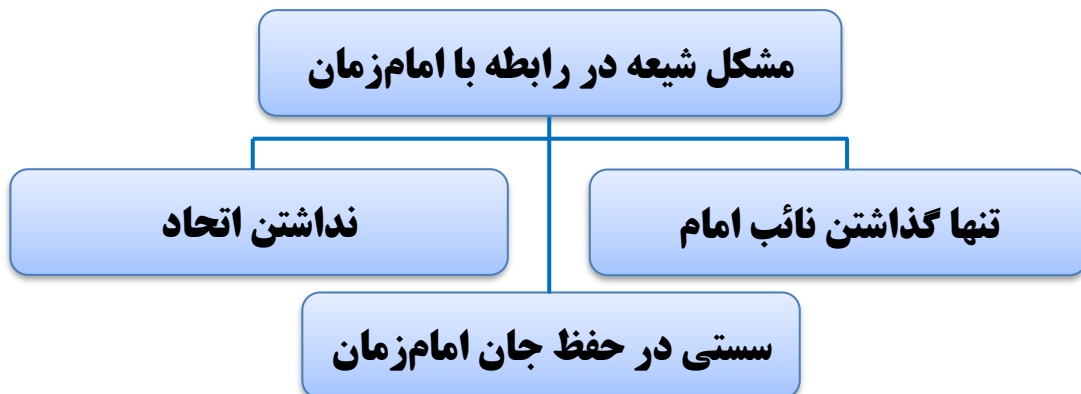
جریان حاکم در کوفه سال ۶۱ هجری

در زمان امامت امام حسین، جامعه‌ی کوفه به تبع این دسته‌بندی سیاسی-اجتماعی به دو دسته تقسیم می‌شود:

- عثمانی‌ها که در محله‌ی ماهی‌فروشان زندگی می‌کردند؛
 - شیعیان و علویان که در محله‌ی صیفی‌کاران زندگی می‌کردند.
- در این دوران، جامعه به شدت دو قطبی و متشنج بود و اگر کسی از گروهی به محله‌ی دیگری می‌رفت، جان او در خطر بود. در چنین اوضاعی و در حالی که عثمانی‌ها آرزوی کشتن امام حسین

را در سر داشتند، رافضی‌ها و شیعیان (علویان) به امام حسین نامه نوشتند و او را دعوت کردند؛ اما در نهایت او را تنها گذاشتند.

مشکل شیعه در رابطه با امام‌زمان



✓ تنها گذاشتن نایب امام

امام حسین پس از دریافت نامه‌های فراوان، حضرت مسلم را به عنوان نماینده‌ی خود برای بررسی میزان آمادگی مردم و شرایط به سوی مردم کوفه فرستاد از اینجا به بعد است که ضعف شیعیان نمایان می‌شود؛ اگر شیعیان کوفه می‌توانستند از جان مسلم حفاظت کنند، می‌توانستند از جان امام‌زمانشان نیز حفاظت نمایند. پس از دستگیری هانی، مسلم فتوای جهاد می‌دهد و شیعیان می‌توانستند با حمله‌ی به موقع بر ابن‌زیاد غلبه کنند؛ اما شیعیانی همچون سلیمان سرد خزاعی منتظر دستور مستقیم از امام ماندند و با این خیال باطل، نماینده‌ی امام را در نماز تنها گذاشتند و ابن‌زیاد او را به شهادت رساند.

✓ نداشتن اتحاد

بعد از شهادت امام حسین به دست عثمانی‌ها دوباره شاهد تفرقه بین شیعیان هستیم؛ اگر افرادی مانند سلیمان سرد خزاعی و مختار و ابراهیم مالک اشتر با یکدیگر متحد می‌شدند، هیچ‌گاه توسط بنی‌زبیر و بنی‌امیه نابود نمی‌شدند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «هر آینه دشمنترین مردم نسبت به مسلمانان، یهود و مشرکان را خواهی یافت و با محبت‌تر از همه کس به اهل ایمان آنان را که گویند ما نصرانی هستیم. این (دوستی نصاری نسبت به مسلمین) بدین سبب است که برخی از آنها دانشمند و پارسا هستند و تکبر و گردنکشی (بر حکم خدا) نمی‌کنند.» (مائده / ۸۲)

این در حالی است که مسیحیان، پیامبر اسلام را قبول ندارند؛ اما چون نسبت به یهودیان نزدیکی بیشتری نسبت به مسلمانان دارند، می‌توان آنها را با مسلمانان همراه کرد. امروز شاهد

این هستیم که عکس این مسئله اتفاق افتاده است و یهودیان، مسیحیت را علیه اسلام به طرف خود کشیده‌اند. خدا در قرآن دستور نزدیکی و مودت به مسیحیانی که پیامبر و قبله و کتاب ما را قبول ندارند، داده است؛ پس چرا نباید بین ما و اهل سنتی که در اعتقاد به پیامبر و قبله و قرآن با ما مشترک هستند، مودت باشد؟

✓ سستی در حفظ جان امام زمان

درست است که در روز عاشورا لشکر ابن زیاد راه رسیدن به امام حسین را از جهات گوناگون بسته بود؛ اما افرادی مثل حبیب بن مظاهر و دیگر یاران امام حسین تمام توان خود را جمع کردند و خود را به امام زمان رساندند. آیا دیگران نمی‌توانستند چنین کاری بکنند؟

امروز امام زمان غریبترین فرد جهان است.

اگر شیعه بتواند نائب امام را بشناسد و او را یاری کند و جان خود و حیثیت شیعه را حفظ کند و به وحدت برسد، آنگاه خواهد توانست از جان امام زمان نیز حفاظت کند. شیعه باید قوی شود و به قدرت سایر شیعیان کمک کند و برای دشمنان بازدارندگی ایجاد کند.

اربعین و زمینه‌سازی ظهور

اربعین بازگشت به خویشتن است؛ انگار شیعیان حاضر در پیاده‌روی اربعین می‌خواهند بگویند که اگر در عاشورای سال ۶۱ هجری نتوانستیم برای یاری امام از کوفه به کربلا برویم، اکنون با گذشتن از جان و مال خود قدم در این راه می‌گذاریم تا دیگر حسین تنها نباشد. برگزاری راهپیمایی باشکوه اربعین و آگاه شدن مردم جهان از این اتفاق و آشنایی آنها با امام حسین سبب محقق شدن ظهور خواهد شد؛ زیرا امام زمان هنگام ظهور، خود را با امام حسین معرفی خواهند کرد: «آگاه باشید ای جهانیان که منم امام قائم؛ آگاه باشید ای اهل عالم که منم شمشیر انتقام‌گیرنده؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جدّ من حسین را تشنه‌کام کشتند؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جدّ من حسین را برهنه روی خاک افکندند؛ آگاه باشید ای جهانیان که جدّ من حسین را از روی کینه‌توزی پایمال کردند.» (إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب، ج ۲، ص ۲۳۳)

چهار جمله از پنج جمله‌ی حضرت در مورد امام حسین است؛ پس اگر می‌خواهید در تعجیل ظهور نقشی ایفا کنید و نمی‌توانید در پیاده‌روی اربعین شرکت کنید، سعی کنید در فضای مجازی امام حسین و امام زمان را به جهان معرفی کنید.

آثار محبت اهل بیت

محبت اهل بیت محبتی عادی نیست. این را همه تجربه کرده‌ایم. کافیست نیم ساعت برای موضوعی غیر غم اهل بیت گریه کنیم، بلافاصله دچار سردرد می‌شویم؛ اما اگر این گریه برای امام حسین و مصیبت ایشان باشد بعد از آن بهجت وجود انسان را فرا می‌گیرد در واقع غم امام حسین شادی می‌آورد. محبت اهل بیت موجب ایجاد محبت بین خود ما می‌شود؛ زیرا ما مانند دانه‌های تسبیح هستیم که با نخ محبت اهل بیت به یکدیگر متصل و مرتبط شده‌ایم.

محبت یا مودت

محبت با مودت فرق می‌کند. محبت، دوست داشتن در دل است و بر اثر شناخت به وجود می‌آید؛ اما مودت، دوستی کردن و شرط عقل است و باعث به وجود آمدن محبت می‌شود. پیامبر مزد رسالت خود را محبت به اهل بیت اعلام نکرد؛ بلکه از آنها مودت با اهل بیت را خواست. اصلاً محبت به زور و اکراه امکان پذیر و اصلاً عقلانی نیست. بر همین اساس روایت‌هایی داریم مبنی بر اینکه اگر نمی‌توانید کاری را با میل قلبی انجام دهید در عمل و نیت به آن تظاهر کنید که همین موجب خیر می‌شود؛ مانند تباکی کردن در مجلس اهل بیت وقتی اشک نداریم. این کار ابراز مودت است و این مودت آرام آرام باعث به وجود آمدن محبت می‌شود.

چند نکته‌ی مهم در خصوص محبت به اهل بیت

(الف) محبت تثبیت‌کننده‌ی ولایت است: برای خیلی از ما در طول زندگی پیش آمده است که میل ما با خواست پدر و مادرمان در تضاد باشد؛ اما اغلب به واسطه‌ی اینکه می‌دانیم ما را دوست دارند و صلاح ما را می‌خواهند، سخن آنها را قبول می‌کنیم؛ اصلاً در این زمان‌ها ما وظیفه داریم به خواست آنها عمل کنیم؛ زیرا والدین ما بر ما ولایت دارند. در واقع ما در رابطه با پدر خود تمرین ولایت‌پذیری می‌کنیم تا در ولایت‌پذیری از پدران اصلی خود که معصوم و عاری از هرگونه اشتباهند، قوی شویم؛ پس ما باید با پدر خود تمرین مودت و محبت کنیم تا بتوانیم به این جایگاه برسیم که به پدر معصوم خود بگوییم: «بأبی أنت و أُمی»؛ «پدر و مادرم به فدایت».

(ب) محبت ما به اهل بیت، محبت آنها را به دنبال دارد: دو همسایه، یکی ثروتمند و دیگری فقیر را در نظر بگیرید. همسایه‌ی فقیر هر روز که برای خانه‌ی خود نان می‌خرد، یک نان هم برای همسایه‌ی خود می‌خرد. بعد از مدتی این محبت یا حتی مودت موجب می‌شود همسایه‌ی ثروتمند این کار همسایه‌ی خود را جبران کند و قطعاً جبران او در حد توان و ثروت اوست.

ماجرای ما و اهل بیت هم همین است. شک نکنید که اهل بیت کمترین محبت ما را به بهترین نحو جبران می کنند. می توانید از کارهای کوچک شروع کنید؛ مثلاً روزی یک صفحه قرآن بخوانید و ثواب آن را به حضرت تقدیم کنید.

(ج) مقدم دانستن خواسته‌ی امام‌زمان بر خواسته‌ی خود: نکته‌ی مهمتر مقدم دانستن خواسته امام‌زمان بر خواسته‌ها و محبوب‌های خودمان است. این کار شرط عقل است؛ یعنی عقل می گوید که مهمتر از امام‌زمان وجود ندارد. باید حوائج امام‌زمان را در صدر حوائج خود قرار دهیم. دعای فرج را زیاد بخوانیم و برای سلامتی ایشان دعا کنیم و صدقه بدهیم. تمام اینها اثرگذار است و این ابراز محبت به اهل بیت و امام‌زمان که خواسته‌های ما باید به امضای ایشان برسد، ما را شامل دعای خاص و یاری این بزرگواران خواهد کرد.

(د) محبت، انسان را به تبعیت می کشاند: محبت، آدم را به تشابه وادار می کند؛ در واقع شبیه شدن به محبوب نتیجه‌ی محبت است. در تاریخ آمده است که نبرد حضرت عباس شبیه امیرالمؤمنین بوده است؛ یعنی حضرت عباس دوست داشته‌اند که شبیه امام علی باشند؛ اگر مصیبت امام حسین بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز برای ما تازه و داغ است و این مصیبت برای ما بسیار سنگین است و هر سال برای امام حسین مجالس عزاداری به پا می کنیم و پیراهن مشکی بر تن می کنیم، علتش این است که می دانیم امام‌زمان هر صبح و شام بر مصیبت جدشان گریه می کنند. حضرت عباس در روز عاشورا برادران خود را به میدان می فرستد تا با شهادت و دیدن مصیبت آنها در داغ برادر دیدن هم شبیه امام‌زمان خود شود. ما چقدر سعی کرده‌ایم مانند عباس بن علی و زینب کبری خود را شبیه امام‌زمانمان کنیم؟ خودمان را بررسی کنیم و ببینیم کجای زندگی و رفتار ما شبیه زندگی و سیره‌ی اهل بیت است. اصلاً یکی از بهترین روش‌های ترک گناه این است که در مواجهه با گناه از خود بپرسیم آیا امام‌زمان چنین کاری می کنند؟ همین امر و یادآوری اینکه امام از گناه مبری هستند و ناظر دانستن ایشان موجب تقوای ما می شود. بدانید که با هر استقامت در برابر گناه و وسوسه‌های شیطان، دل امام‌زمان را شاد و به تعجیل فرج مولایمان کمک می کنیم.

(ه) محبت اهل بیت به آخرت می رسد: خداوند در قرآن می فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»؛ «هرکس کار نیکی بیاورد، ۱۰ برابر آن [پاداش] خواهد داشت و هرکس کار بدی بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود.» (انعام / ۱۶۰)

بین عمل خیری که انسان می فرستد و عملی که با خودش می برد، فرق است و قطعاً عملی که به

سلامت به آخرت برسد برای انسان بهتر و سودمند خواهد بود. همه‌ی ما در طول زندگی خود کارهای خیر بسیاری انجام می‌دهیم؛ اما بسیاری از آنها را با گناهان و اشتباهات خود تباہ می‌کنیم. شاید انجام عمل خیر خیلی مشکل نباشد؛ اما نگه داشتن آن عمل خیر و رساندن آن به سرای آخرت بسیار مشکل است. در حدیثی در تفسیر این آیه آمده است که منظور از حسنه و عمل خیری که در آخرت به فریاد ما می‌رسد، محبت اهل بیت علیهم‌السلام است. (بحارالأنوار، ج ۲۴، ص ۴۱)

البته دقت کنید که این محبت باید پیامدهایی به دنبال داشته باشد به نحوی که همواره رفتاری از ما سر بزند که خوشایند و مورد رضایت امام‌زمان باشد.

درس گرفتن از عاشورا و آمادگی برای ظهور

می‌توان گفت هیئات و جلسات امام‌حسین مانند مدرسه‌ای هستند که دانش‌آموختگان آن زودتر به امام‌زمان می‌رسند؛ زیرا اهل هیئت، ادب را از عباس، شجاعت را از علی‌اکبر و عفت، صبر و پاک‌دامنی را از زینب کبری آموخته‌اند. اینکه امام‌زمان می‌فرمایند برای تعجیل در ظهور خدا را به عمه‌ام زینب قسم دهید؛ یعنی امام‌زمان می‌خواهند راه را به من و شما نشان دهند و بگویند در راه دفاع از امام‌زمان، زینب‌گونه عمل کنید؛ زیرا حضرت زینب تابع محض امام‌زمان خود بود. ایشان در اوج ظلمت و سیاهی و خفقان اسارت در هر فرصتی امام‌زمان خود را معرفی می‌کند و بارها سپر بلای امام‌سجاد می‌شود و از شهادت ایشان جلوگیری می‌کند. تمام اینها برای ما درس است. اجازه ندهید شیطان طناب محبت بین ما و اهل بیت را قطع کند. مبادا شیطان ما را از اهل بیت ناامید کند.

سخنرانی استاد رائفی‌پور

موضوع: محبت امام‌زمان و نعمت مصیبت

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی‌پور، آذر ۹۳ کرمان

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)